



سال اول / شماره دوم / زمستان ۱۳۹۹ و بهار ۱۴۰۰  
فصل نامه انجمن علمی قرآن و حدیث  
دانشگاه الزهراء (س)  
در این شماره می خوانیم:  
همدمی برگزیده ام که می پرس  
خانواده قرآنی ۲  
دیار عاشقان  
شئون و مراتب امامت  
یک سحر رمضان  
دوران ظهور  
و خدایی هست مهربان تر از حد تصور



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## منہاج

شناسنامہ نشریہ:

صاحب امتیاز: انجمن علمی علوم قرآن و حدیث

مدیر مسؤؤل: زینب شاہ محمدی

سرڈییر: محدثہ عباسی

طراح لوگو: مہرناز مولوی

صفحہ آرا: محدثہ کریمیان

ویراستار: زینب شاہ محمدی

ہیأت تحریریہ: ریحانہ اشجری فائزہ بنایی

فاطمہ زہرا زوری، فاطمہ شرفی سقی

مریم شہرابی فراہانی، زہرا طالقانی زادہ

محدثہ عباسی، زہرا مہرابی، میمنہ میری

ارتباط:

Email: menhaj ۱۳۹۹@ gmail.com

Eitaa: @ze-shahmohammadi



# سخن سردر

عید رمضان آمد و ماه رمضان رفت صد شکر که این آمد و صد حیف که آن

رفت ماه رمضان ماه بندگی خداست، ماه نزول رحمت، ماه نزول قرآن، ماه نزول برکات الهی! خداوند متعال در کلام خود از این ماه، با عنوان ماه نزول قرآن یاد کرده و می فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره/۱۸۵)

ماه رمضان ماهی است که درهای رحمت الهی به روی مسلمانان باز می شود. بندگان که در طول سال، گرد و غبار غفلت و گناه بر روی دل هایشان نشسته، با ندای ملکوتی یا علی یا عظیم، خدا را فرا می خوانند و از او طلب رحمت و مغفرت می کنند.

این ماه عزیز به پایان رسید اما هنوز نباید از رحمت الهی نا امید شد. در احادیث داریم که اگر کسی در ماه رمضان بخشیده نشد و مورد آمرزش قرار نگرفت، باید منتظر عرّفه باشد. پس درهای رحمت الهی هیچ گاه به روی بندگان بسته نیست و خداوند همواره پذیرای بازگشت و توبه بندگان خطاکار است.

در این شماره از نشریه نیز سعی بر این داشته ایم که قطره ای از رهنمودهای قرآن را استخراج کرده و راهنمای خود قرار دهیم تا قدمی هر چند اندک گرد و غبار غفلت و گناه را از خود بزداییم و به درگاه الهی نزدیک گردیم.

محدثه عباسی، ترم ۴ ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا(س)

# همدمی بر کنزید همام که مسرر

چشمانم را می بندم و به گذشته برمی گردم. به ۲۷ رجب سال ۴۰ عام الفیل، روزی که ندا آمد افرأ، بخوان... افرأ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* اقرأ و رَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ... بخوان به نام پروردگارت که آفرید. [همان که] انسان را از علق به وجود آورد. بخوان در حالی که پروردگارت کریم ترین [کریمان] است. همان که به وسیله قلم آموخت.

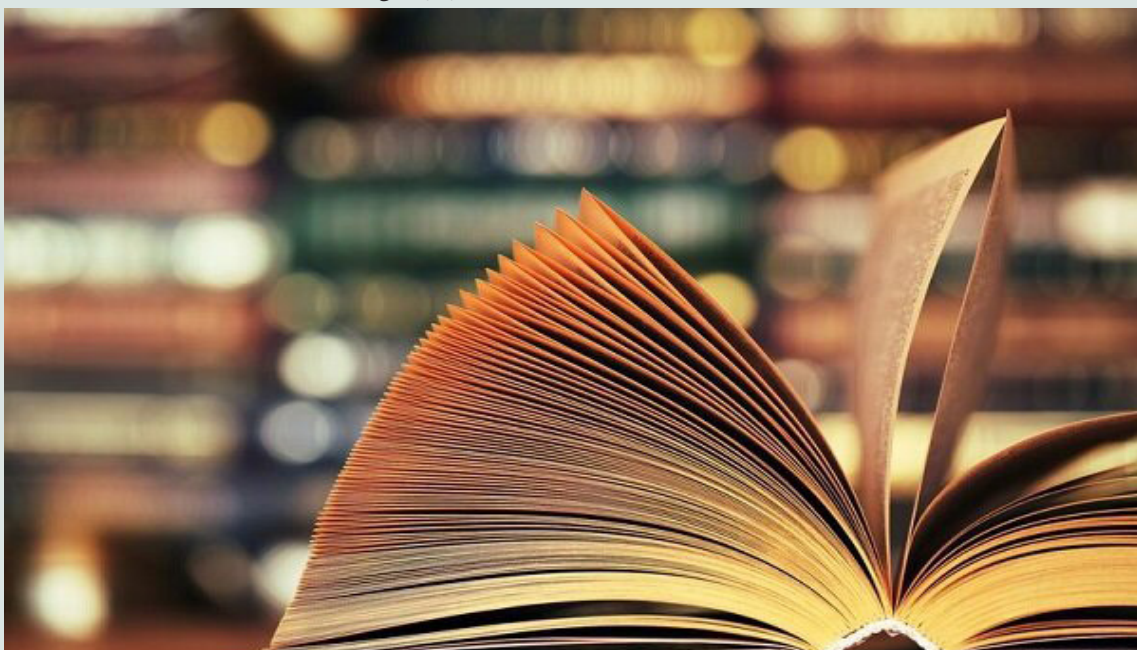
دین اسلام و کلام الله مجید برای مطالعه و کتابخوانی و کسب علم، ارزش و اعتبار خاصی قائل شده است. اهمیت کتابخوانی در اسلام به قدری است که معجزه پیامبر اکرم (ص) از نوع کتاب است و در این کتاب مقدس هم اولین آیاتی که بر پیامبر (ص) نازل شده با امر به خواندن و کلماتی از قبیل کتاب، قلم و علم همراه شده است و بدین ترتیب نقطه آغاز رسالت و دعوت اسلامی بر مبنای خواندن و مطالعه شکل گرفت.

اما نکته ای که نباید فراموش کنیم این است که هیچ انسانی با خواندن یک کتاب آشنیزی سیر نمی شود. پس مساحت درک خود را با حجم مطالعات توأم با عمل یکسان کنیم.

ریحانه اشجری، ترم ۴ ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

همه چیز از یک خبر شروع شد (۵۹ درصد ایرانی ها کتاب غیر درسی نمی خوانند. سرانه مطالعه در ایران ۱۵ دقیقه در شبانه روز است. تعداد «کتاب خر» ها بیشتر از «کتاب خوان» هاست.)  
خبرها بر روی تن خسته ام تیغ می کشند. این اخبار حتی اگر خیلی دقیق هم نباشد، بازهم غم انگیز است. نکند کتاب جزء کالاهای لوکس محسوب می شود. سراغ کتابخانه ام می روم، با ذهنم به پنجره های کتابخانه دخیل می بندم، کتاب های زیادی پیدا می شوند که حاجتم را برآورده کنند. کتابی دست می گیرم، خوشحالی از سر انگشتانم تا ته دلم می دود. برگ های کتاب بال هایی می شوند که روحم را به عالم نور می برند و نردبانی می شوند که مرا به سرزمین دانایی روانه می کنند.

از روزمرگی و تهایی به کتاب پناه می برم، همدمی که فریبم نمی دهد، آزارم نمی رساند، تنهایم نمی گذارد، خسته ام نمی کند. اصلا کجا پیدا می شود رفیقی مانند کتاب، که نخواهد مگر زمانی که تو بخوابی و حرفی نزند مگر زمانی که تو بخواهی... روح را آرام کند و مغزت را توانمند، نگرانی ات را کم کند و تمرکزت را زیاد.



# خانواده قرآنی ۲

خداوند در سوره مومنون نیز نشانه های جامعه ایمانی را معرفی می کند.

براساس این آیات قرآن اگر می خواهید خانواده ای بهشتی و زندگی ای با آرامش و پاکیزه داشته باشید و خانواده و جامعه به فلاح و رستگاری دست یابد، باید مومن باشید، نماز را با خضوع و خشوع به جای آورید، زکات بپردازید، از کار و سخن بیهوده پرهیز کنید، امانت ها را رعایت کنید و عفت خود را حفظ کنید.

خداوند در سوره های نور و احزاب، عفاف و حجاب و کنترل چشم را از عوامل تحکیم بنیان خانواده بیان می کند که یکی از عوامل مهم حفظ کانون خانواده؛ رعایت عفت، پاکدامنی و حجاب است و ریشه خیانت در خانواده ها نیز به دلیل همین بی عفتی و بی حجابی ها است.

حضرت امام (ره) فرمودند: قرآن کریم انسان ساز است. زنان هم انسان سازند، اما کدام زنان؟ زنانی که عقیف، با تقوا، مسئولیت پذیر هستند، به خانواده با کرامت نگاه می کنند و رسالت مادری و همسری را درست ادا می کنند. این زنان می توانند مانند قرآن کریم انسان ساز باشند. امیدوارم جامعه زنان کشور، انسان ساز بوده و نسلی بصیر و آگاه تربیت کرده و در پیشگاه خداوند متعال نیز، همواره سر بلند و با عزت قرار بگیرند.

فاطمه شرفی سقی، ترم ۴ ارشد علوم قرآن و حدیث  
دانشگاه الزهرا(س)

اهمیت و جایگاه خانواده بر هیچ کس پوشیده نیست. انسان ها از کودکی در کانون خانواده رشد می یابند و معمولاً انسان هایی از موفقیت بیشتری برخوردارند که کانون خانواده آنها گرم تر و محکم تر بوده است. در دنیای غرب که نظام خانواده جایگاه اصلی خود را از دست داده است، مشکلات گوناگونی پدید آمده که حتی برخی از نویسندگان غربی هم به آن اعتراف دارند.

خانواده در اسلام کانون عبودیت پروردگار است و اسلام اساس خانواده را بر مودت و رحمت می داند و برحفظ و تشکیل آن تأکید زیادی دارد.

اسلام برای خانواده از ابتدای تشکیل آن برنامه ویژه ای دارد و برای نحوه معاشرت اعضای خانواده؛ روابط والدین و فرزندان، هریک دستورات خاصی دارد.

خانه حضرت علی (ع) و حضرت زهرا(س) بزرگترین آیت الهی است. چنین خانواده ای آرامش و مودت بر آن حاکم است که از نشانه های تدبیر و ربوبیت خداوند متعال است و خداوند در قرآن شاخصه هایی را برای خانواده ها بیان می کند و اگر ما بخواهیم محیط خانواده و ازدواج جوانان ما پایدار بماند، باید سعی کنیم خصوصیات را که قرآن بیان می کند رعایت کنیم. از جمله؛ یاد خدا، اهمیت دادن به نماز، به فکر محرومین و نیازمندان بودن، اعتقاد و باور به معاد و قیامت از جمله این خصوصیات است.

یکی دیگر از ویژگی های خانواده قرآنی در آیه اول سوره مائده، وفای به عهد معرفی شده است که می توان ازدواج را از مقدس ترین پیمان ها در اسلام دانست و بیان کرد که یکی از مقدس ترین و اساسی ترین پیوندها و عهدهایی که در جامعه رواج دارد، عقد تشکیل خانواده و ازدواج است.



# دارعاشقان

## طلب شهادت از زبان امام سجاد (ع) در زبور آل محمد (ص)

از فقدان سردار رشید اسلام، شهید حاج قاسم سلیمانی زمانی به درازای یک سال و اندی می گذرد و با شهادت این سردار عزیز، فهم معنای شهادت، آنجا که آن عزیز فرمود: «تا کسی شهید نبود، شهید نمی شود. شرط شهید شدن، شهید بودن است. اگر امروز بوی شهید از رفتار و اخلاق کسی استشمام شد، شهادت نصیبش می شود. تمام شهدا دارای این مشخصه بودند» برایمان زنده تر و روان تر شد.

در عشق اگرچه منزل آخر شهادت است

تکلیف اول است شهیدانه زیستن

مقام شهید در راه خدا و رسول (ص) و دین اسلام به قدری بالاست که هم در قرآن و هم در کلام معصومین درخواست شهادت و در صف شهدا بودن هویدا است.

برای مثال حواریون حضرت عیسی (ع) بعد از اقرار به ایمان و اطاعت از پیامبر و ایمان به تمام دستورات الهی، از خداوند خواستار تثبیت ایمانشان شدند و خواهان قرار گرفتن در زمره حامیان انبیاء بودند:

«رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (آل عمران/۵۳)

«پروردگارا ما به کتابی که فرستادی ایمان آورده و از رسول تو پیروی کردیم، نام ما را در صحیفه اهل یقین ثبت فرما»

در زبور آل محمد (ص)، صحیفه سجادیه، نیز از لسان نورانی امام سجاد (ع) (در دعای اول)، مشاهده می کنیم که امام معصوم (ع) نیز با توجه به مقام والایی که نزد خداوند دارد، طلب شهادت می کند و می فرماید:

حمدا نسعده في السعداء من اوليائه و نصير به في نظم الشهداء بسيف اعدائه.

سپاس خدای را، سپاسی که بدان در زمره اولیاء نیکبختی قرار گیریم و به واسطه آن در ردیف شهیدان با شمشیر دشمنانش در آئیم.

این فراز از دعا، اشاره به مقام شهادت دارد که عهدی بین مؤمن و خداوند است و سعادت مندی انسان در سلك شهدا را عنوان می کند.

حضرت حق درباره این عهد می فرماید:

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب/۲۳)

از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بستند [و آن ثبات قدم و دفاع از حق تا نثار جان بود] صادقانه وفا کردند، برخی از آنان پیمانشان را به انجام رساندند [و به شرف شهادت نائل شدند] و برخی از آنان [شهادت را] انتظار می برند و هیچ تغییری و تبدیلی [در پیمانشان] نداده اند. امام سجاد (ع) با ستایش و سپاس گزاری از نعمت های خداوند، توفیق دستیابی به نعمت شهادت و انجام دادن پیمانی که با خدای خویش داشت، به ویژه پس از حادثه عاشورا، در زمره شهیدان بودن را از خداوند طلب کرد تا در پرتو ستایش ها و سپاس گزاری ها و در راه عزت و سربلندی در گروه شهیدان سربلند به حضور خداوند راه یابد.

این دعای شریفه با دو نام مبارک؛ ولی و حمید خاتمه می یابد؛ که با آنها یادی از اولیای خدا و شهدا شده است. اولیا جمع ولی است که با ولی از اسمای خداوند مناسبت دارد. و اما حمید به معنای؛ بسیار پسندیده، آن که در همه حال سزاوار حمد و سپاس است.

جان دادن در راه خدا و فوز شهادت پسندیده ترین اعمال است که در پایان دعا، خواسته امام است. آن جا که شهید می بیند خویش در راه خدای حمید ریخته می شود برای او نیک و گوارا است.

چنانکه خداوند در قرآن کریم، در شرح حال شهدا در عالم برزخ می فرماید:

«فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران/۱۷۰)

آنها به خاطر نعمت های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحال اند؛ و به خاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده اند [مجاهدان و شهیدان آینده]، خوشوقت اند؛ (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می بینند و می دانند) که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت.

پروردگارا؛ ما را نیز در راه دفاع از میهن اسلامی عزیزمان و دین مبین اسلام، به صفوف شهدا ملحق کن؛ آمین

مریم شهبابی فراهانی، ترم ۶ ارشد، علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

# سئون و مراتب امامت

۲. مرجعیت دینی: پیامبر (ص) مبلغ وحی بود، اما آنچه پیامبر اکرم (ص) برای عموم مردم بیان کرد تمام دستورات اسلام نبود؛ زیرا بسیاری از مسائل در زمان حیات پیامبر (ص) ایجاد نشد و همچنین زمان اجازه نداد که پیامبر (ص) همه مسائل را مطرح کند.

اما پیامبر اکرم (ص) همه علوم و مسائل را برای شاگرد خاص خود، امام علی (ع) تعلیم فرمود.

در اینجا امامت یک مقام کارشناسی دین از جانب خدا و رسول اکرم (ص) می شود که ائمه (ع)، علوم اسلامی را به طور غیبی و رمزی دریافت کرده اند و در اینجا مسئله "عصمت" مطرح می شود، زیرا این علوم را عاری از خطا و اشتباه، به مردم آموزش می دهند.

اهل تسنن برای هیچ کس، چنین مقامی قائل نیستند. آنها می گویند: دستورات اسلام هر آنچه بود، پیامبر (ص) به صحابه فرمود و بعد در مسائلی که چیزی مطرح نشده، مسئله قیاس را مطرح کردند و گفتند ما اینها را با قیاس و مقایسه کردن تکمیل می کنیم. امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه به مسئله (قیاس) واکنش نشان داده و با آن مخالفت کرده و فرمود: "یعنی خدا دین را ناقص فرستاده که شما تکمیلش کنید"

ولی شیعه می گوید: نه خدا دستورات اسلام را ناقص فرستاد و نه پیامبر (ص) ناقص بیان کرد؛ بلکه همه دستورات را به شاگرد خاص خود (امام علی (ع)) گفت تا بعداً برای مردم بیان کند.

۳. ولایت: امامت درجه سوم دارد که اوج مفهوم امامت است و آن "ولایت" است. امامت به معنی حجت زمان که هیچ زمانی خالی از حجت نیست. (لولا الحجة لساخت الارض باهلها) (بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳) یعنی هیچ وقت نبوده و نخواهد بود که زمین از حجت خدا خالی باشد.

در آیه ۲۴ سوره بقره امامت عهد الهی نامیده شده که این عهد به ظالمان نمی رسد (لا ینال عهدی الظالمین)

"امام" یعنی پیشوا، یعنی فردی که پیشرو است و عده ای تابع و پیرو او هستند؛ اعم از آن که آن پیشوا راه یافته و عادل باشد و یا باطل و گمراه.

"امامت" در شیعه یکی از اصول دین می باشد در حالی که در تسنن "امامت" جزئی از فروع دین است و این اختلاف، به خاطر شئوناتی است که شیعه بعد از رسول اکرم (ص) برای امام قائل است اما اهل سنت به چنین امامتی قائل نیستند. پیامبر اکرم (ص) در جامعه اسلامی دارای شئوناتی بودند و امام نیز بعد از پیامبر اکرم (ص) آن شئونات را دنبال می کند.

پیامبر اکرم (ص) در درجه اول، احکام و دستورات الهی را از طریق وحی دریافت می کرد و برای مردم بیان می کرد. منصب دیگر پیامبر اکرم (ص)، منصب قضاوت بود. او قاضی میان مسلمانان بود و قضاوت در اسلام یک شأن الهی است زیرا حکم به عدل است. منصب سوم پیامبر (ص)، حکومت داری و ریاست عامه بود. او رئیس و رهبر اجتماع مسلمانان بود.

## معانی و مراتب امامت:

۱. رهبری اجتماع: یکی از شئوناتی که بعد از رحلت پیامبر (ص) بلا تکلیف می ماند رهبری اجتماع است. اجتماع، زعیم می خواهد. اما رهبر اجتماع بعد از پیامبر (ص) کیست؟

هم شیعه و هم اهل تسنن قبول دارند که اجتماع نیازمند رهبر و فرمانده عالی می باشد. شیعه می گوید: پیشوا را خود پیامبر (ص) به وحی الهی تعیین کرد. اما نظر اهل تسنن این است که؛ پیامبر اکرم (ص) شخص معینی را تعیین نکرد و وظیفه مسلمین بوده که رهبر را بعد از پیامبر (ص) انتخاب کنند.

اگر شئون امامت در همین حد؛ یعنی رهبری سیاسی مسلمین بعد از پیامبر اکرم (ص) بود، شیعه هم امامت را در حد فروع دین می دانست.

اما شیعه قائل است که امامت تنها به همین حد اکتفا نمی شود. شیعه در باب امامت ۲ مسئله دیگر را هم مطرح می کند که اصلاً اهل تسنن برای احدی چنین شئوناتی را قائل نیستند.

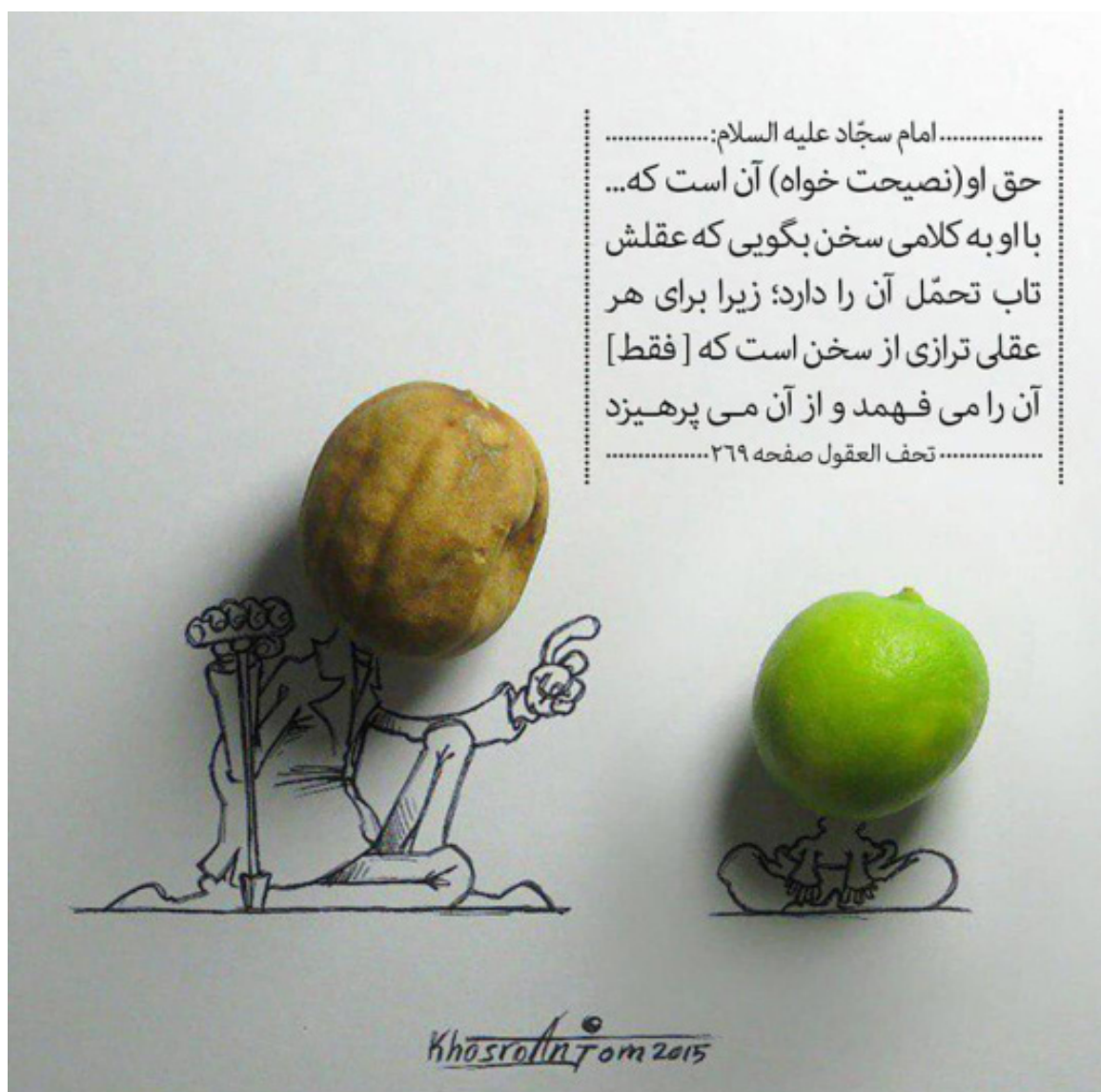


پس امامت تنها مسئله حکومت نیست و وظیفه امام این است که ولایت و سرپرستی و رهبری افرادی را که ولایت او را پذیرفته اند، داشته باشد.

منبع:

تلخیصی از کتاب امام شناسی شهید مطهری (ره)  
انتشارات بینش مطهر

زهرا مهرابی، ترم ۴ ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه  
الزهرا(س)



عکس ارسالی از پیج اینستاگرام حدیث گرافی (hadithgraphi) دانلود شده توسط زهرا طالقانی زاده، ترم ۴ ارشد علوم قرآن و حدیث



# خلاصه ای از مقاله معنائشناسی اسماء الحسنی نوشته دکتر صادق آینه‌وند و دکتر شهریار نیازی

## معنائشناسی واژگانی

### الف) هم معنایی

پدیده هم معنایی یا مترادف در زبان عربی از دیرباز مورد توجه لغت شناسان قرار داشته است.

۱- گروهی پدیده مترادف را اثبات کردند و دلیل آوردند که هر لفظی با الفاظ دیگری شرح و تفسیر می شود.

۲- گروه دیگری از لغت شناسان عرب، اصولاً منکر مترادف شده اند.

در هر حال، اگرچه تعدادی از شارحان اسماء نسبت به تفسیر اسامی خداوند، دقت لازم را در بیان تفاوت های میان اسماء نداشته اند و اسماء را به کمک یکدیگر معنا کرده اند، اما گروهی نیز با دقت بر این نکته اصرار می ورزیدند که هیچ یک از اسماء الهی مشابه اسم دیگر نبوده و هر یک معنا و افاده ویژه خود را دارند.

در زبان شناسی جدید نیز بحث مترادف محض درون زبانی تقریباً منتفی است. فرانک پالمر معنائشناس آمریکایی می نویسد: «هم معنایی واقعی در میان واژه ها وجود ندارد و هیچ دو واژه ای دقیقاً دارای یک معنا نیستند. البته بعید هم به نظر می رسد که در یک زبان، دو واژه با یک معنی واحد بتوانند در کنار هم به حیات خود ادامه دهند.»

### ب) تضاد معنایی

صدرالدین قونوی در شرح خود بر اسماء الحسنی معتقد است؛ اسامی متقابل خداوند مانند نافع و ضار، اول و آخر، ظاهر و باطن ترکیبی و در حالت تعادل قرار دارند.

این پدیده که در زبان شناسی جدید به عنوان تضاد معنایی مشهور است، برای واژه هایی که در تقابل معنایی با یکدیگر قرار می گیرند به کار می رود. اگرچه تصور می شود که تضاد معنایی، نقطه مقابل هم معنایی است، اما الزاماً چنین نیست، زیرا مثلاً تقابل دو کلمه پهن/باریک و یا پیر/جوان و بزرگ/کوچک در مقوله دستوری صفت قرار داشته و از نظر کیفیت قابل درجه بندی اند. برای مثال، در مورد درجه حرارت تنها دو صورت سرد/گرم وجود ندارد، بلکه صورت های میانی نیز وجود دارد.

شارحان اسماء و اندیشمندانی که به نام های خداوند پرداخته اند، به تدریج دریافته اند که میان اسماء خداوند، نوعی نظم در روابط معنایی و یا احیاناً سلسله مراتب برقرار است. آنان کوشیده اند در قالب لغت، کلام، تصوّف، عرفان و فلسفه به جستجوی چنین نظامی بپردازند.

### معنائشناسی اسماء

اصل معنا از ثلاثی مجرد (معنای واژگانی) بوده و سپس از «مزید» معنای واژگانی جدیدتری حاصل می شود. مثل: قادر/مقتدر - علی/متعالی - کبیر/متکبر

پیرامون نسبت های صیغه ای در اسماء الحسنی نیز باید گفت کاربرد کلمه «ذو» به معنای صاحب و دارنده و کلمات «اهل» و «رب» در اضافات مصدری برای اثبات صفت به کار رفته است. مثل: ذو الرحمة - اهل التقوی - رب العزة - که معنای آنها این است که خداوند متصف به رحمت، مغفرت و مانند آنها بوده و متصرف در امور و صاحب و مالک آن است.

از منظر معنا شناسی صرفی میان شارحان اسماء درباره «الرحمن» و «الرحیم» بحثی صورت گرفته که نقل جوانب مختلف آن روشنگر است. برخی «فعلان» را بلیغ تر از «فعلیل» دانسته اند. زیرا فعلان صیغه مبالغه و «رحیم» صفت مشبّه است.

همان گونه که از نوع بحث ها پیداست، لغت شناسان کوشیده اند که تفاوت معنایی میان دو اسم خدا را بر پایه معنای صرفی بیان کنند، اما دچار اختلاف نظر شدیدی شده و به پاسخ روشنی دست نیافته اند.

نقل این اقوال مختلف از آن جهت اهمیت دارد که گفته شود، مبنای معنائشناسی صرفی برای تعیین و مقایسه میان دو اسم کفایت نمی کند، اگر چه بخشی از تفاوت معنایی را می تواند آشکار نماید. برای کشف ساختارهای تفاوت معنایی میان اسماء خداوند، ناچار باید از سطوح بالاتری از سطح صرفی کمک گرفت.

۳- نظریه سوم، تعدد معنا را نتیجه تحولات معنایی می‌داند. به عبارت بهتر، واژه‌ای که بر معنای واحدی دلالت داشته، معنای جدیدی را کسب کرده که زبان‌شناسان آن را چند معنایی نامیده‌اند. آنان دو طریقه را برای کسب معنای جدید ذکر کرده‌اند؛ یک طریقه تغییراتی است که در نتیجه نیازمندی‌های جدید کاربرد می‌یابد و راه دیگر کاربردهای مجازی است که باعث انتقال معنا می‌گردد.

۴- نظریه‌ای که می‌گوید تشابه لفظی ایجاد شده و کلماتی که برای معانی مختلف وضع شده بوده‌اند، در نتیجه کثرت کاربرد گفتاری و تحول آوایی واژه‌ها یکسان شده‌اند.

بنابر آنچه گفته شد، موضوع اشتراک لفظی که یکی از شاخه‌های مبحث چند معنایی به شمار می‌رود، در مورد اسماء الهی به ویژه در آنچه که به شرایط کاربرد زبانی آن مربوط می‌شود، قابل اثبات است. همچنین با مراجعه به آیات، روشن می‌شود که وجوه معنایی مختلف اشتراک لفظی در اسماء، اختصاص به انسان نیز نداشته و کاربردهای متنوعی یافته است.

به نظر می‌رسد آنچه اختلاف در معنا را در الفاظ مشترک باعث شده باشد، بیش از آنکه به اصل وضع لفظ بازگردد، به کاربرد و شرایط استعمال آن مربوط می‌شود.

خلاصه شده توسط محدثه عباسی، ترم ۴ ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)

در هر حال، آنچه می‌توان نتیجه گرفت آن است که در اسماء الهی، زوج‌هایی از اسماء متقابل وجود دارند که با توجه به تعاریف جدید تضاد معنایی درجاتی را از یک حالت تشکیل می‌دهند و به عبارت بهتر متناقض نیستند. مثلاً «اول» و «آخر» در دو سر یک طیف ترتیبی و مدرج و ظاهر و باطن نیز درجات ظهور مطلق و خفای مطلق را شامل شده و حالت‌های دیگر نیز بیشتر شامل اسماء فعلی خداوند است که در عمل تناقضی را بیان نمی‌کند؛ مثلاً خافض و رافع و یا قابض و باسط و یا هادی و مضل، حالت‌هایی از توانایی خداوند را در انجام دو اقدام متفاوت نشان می‌دهد که حاکی از قدرت مطلق ذات باری تعالی است.

### ج) چند معنایی

زبان‌شناسان جدید در بحث چند معنایی مشترک لفظی، چهار نظر ارائه داده‌اند:

۱- وجود یک معنای مرکزی که پیرامون آن تعدادی معنای فرعی و حاشیه‌ای وجود دارد که معانی حاشیه‌ای از طریق یکدیگر و از طریق وجود عناصر مشترکی به معنای مرکزی پیوند می‌خورند.

۲- نظریه دیگر، تعدد معنا را نتیجه کاربرد واژه در مواضع مختلف می‌داند. این نظریه کاربردی، معنای واژه مشترک را مربوط به کاربرد آن می‌داند.



عکس ارسالی از پیج اینستاگرام حدیث گرافی (hadithgraphi) دانلود شده توسط زهرا طالبانی زاده، ترم ۴ ارشد علوم قرآن و حدیث

# یک سحر رمضان

به صدای مناجات مناره های مسجد  
به صدای زنگ همراه  
هر سحر ماه رمضان  
از خواب بیدار

برای

به جای آوردن دعا و نیایش پرودگار  
و خوردن سحری  
با عنایت به خدای یکتا  
تا نزدیک اذان صبح  
و خواندن دعای سحر  
به قصد به جای آوردن صوم  
به شرطی که

تمام

اعضا و جوارح روزه باشند

مشغول می گردیم

اذان صبح فرا می رسد

موذن بر روی مناره های مسجد

به اذان گفتن مشغول می گردد

شروع اذان با الله اکبر است

و بعد

شهادت می دهم که

نیست خدایی به جز خدای یگانه

فاطمه زهرا زوری، ترم ۲ کارشناسی علوم قرآن و حدیث،  
دانشگاه الزهراء (س)



# دوران ظهور

لشکر سفیانی؛ بعد لشکر سفیانی می آید، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که مورد عنایت خداوند هستند، توسط خداوند امداد غیبی می شوند و این لشکر سفیانی در زمین فرو می روند و بعد از هفت ماه جنگ، امام پیروز می شوند و همه ی عالم به دست امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می افتد و ایشان رهبر عالم می شوند. همه ی حکومت ها تجمیع می شوند و همه تحت لوای و رهبری امام قرار می گیرند.

**حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**  
امام حاکمانی برای نقاط مختلف زمین مشخص می کنند. ایشان مسجد کوفه را محل حکومتشان قرار می دهند. مسجد سهله را محل زندگی خود قرار می دهند خانه ی حضرت مسجد سهله می شود.

**کشته شدن شیطان؛** بعد شیطان کشته می شود و بساطش جمع می شود. زمانی که شیطان از خداوند فرصت خواست، خدا به او گفت تا یوم معلوم به تو مهلت می دهم، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: یوم معلوم؛ همان روز ظهور است... (ادامه مطالب را در شماره ی بعد نشریه دنبال کنید)  
برگرفته از سخنان استاد محمودی، همایش مهدویت، ستاد غدیریه

معرفی کتاب: کتاب «داستان ظهور»؛ مهدی خدامیان آرامی، کتاب حالت داستانی دارد و بسیار لذت بخش است و از ۱۵ روز قبل از ظهور شروع کرده و بعد زیبایی ها را با توجه به روایات از دوران ظهور بیان کرده است. (برگرفته از سخنان استاد فؤادیان در همایش مهدویت.)

یا علی التماس دعا  
فائزه بنایی، ترم ۴ ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س)

همان طور که بهشت برای ما قابل ترسیم نیست، شناخت آن دوران برای ما ممکن نیست تا اینکه آن روز را ببینیم و خوشا به حال کسانی که آن روزگار را می بینند. (مضمون حدیثی از امام باقر (علیه السلام)).

**روز اول؛** شب جمعه ای، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کنار خانه ی خدا سر بر سجده می گذارند، دعا می کنند، «أَمَّنْ يُجِيبُ» می خوانند، استغاثه می کنند، صبح علی الطلوع جبرئیل نازل می شوند و از طرف خداوند به حضرت اذن ظهور می دهند. اولین نفری که با امام بیعت می کند، خود حضرت جبرئیل است و بعد فرشتگان بعدی، بعد ۳۱۳ فرد عاشق و جنگی که سالیانی در انتظار امام بوده اند. این ها با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیعت می کنند و چه بیعت تاریخی و زیبایی

...

**آغاز قیام؛** حال امام ظهور کرده اند اما قیام را آغاز نمی کنند؛ صبر می کنند.

دسته ی دوم یاران که ۱۰ هزار نفر هستند با امام بیعت می کنند و به ایشان ملحق می شوند و امام در این زمان قیام خود را آغاز می کنند.

فقط هفت ماه؛ جنگ میشود؛ اما نه جنگی که با خون ریزی و کشتار جمعی باشد، بلکه **امام فقط هفت ماه میجنگند و آن هم فقط با ائمه ی کفر.**

امام با سران و امامان کفر می جنگند نه با مردم کافر. امام با مردم کفر نمی جنگند، چون به سیره ی جدشان عمل می کنند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وقتی مکه را فتح کردند همه را بخشیدند، همه را دعوت به اسلام واقعی کردند از ابوسفیان بدتر که نداشتیم، او را هم بخشیدند. امام هم مانند ایشان رفتار می کنند. این که می بینیم جنگ و خون ریزی و اینگونه مسائل را مطرح می کنند برای این است که چهره ی امام را خشن جلوه بدهند؛ وگرنه امام، مهربان ترین انسان کره ی زمین هستند.

**امام مهربان، رهبر جامعه؛** وقتی این امام مهربان رهبر جامعه می شوند مهربانی بر همه ی قلب ها رسوخ پیدا می کند، این مهربانی وارد همه ی خانه ها می شود و مردم به شدت با هم مهربان و صمیمی می شوند آن قدر مهربان که امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: مردم دست در جیب هم می کنند، پول بر می دارند به هم لبخند می زنند ...

# وحدانی مست مہربان بر ارحم تصور

فضل و رحمت الہی آنقدر گسترده و بی کران است کہ انسان حتی فکرش را ہم نمی کند. فقط نباید ناامید شد. در آن اوج تنہایی کہ ہمہ می گفتند کہ نکند ما ہم دچار این بیماری شویم، تنہا خدا بود... .  
إن شاء اللہ کہ این بیماری منحوس بہ زودی نابود شود کہ خیلی از بزرگواران و عزیزان را ہم بہ خاطرش از دست دادیم.

میمنہ میری، ترم ۲ کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث  
دانشگاہ الزہرا (س)

روزگار طبق روال عادی می گذشت تا اینکہ پدر و مادرم ہر دو با ہم درگیر بیماری کرونا شدند و چون پدرم جانباز جنگ تحمیلی بودند، بیشتر من را می ترساند کہ نکند خدایی نکرده!  
اما از رحمت پروردگارم نا امید نشدم و ہر شب دعا می کردم.

مادرم خوب شدند اما پدرم راہی بیمارستان شدند و من بیشتر حالم بد شد. اینجا بود کہ بہ مادرم زہرا سلام اللہ علیہا متوسل شدم. الحمدللہ بعد از دو ہفتہ خیلی سخت، خطر رفع شد و خداوند سفرہ رحمتش را گستراند.  
اینجا بود کہ فضل و رحمت الہی را بیشتر لمس می کردم و این آیہ بہ خاطر آمد کہ خداوند می فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ...»



آیه گرافی:  
لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا  
برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم. (سوره مائده آیه ۴۸)

